

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

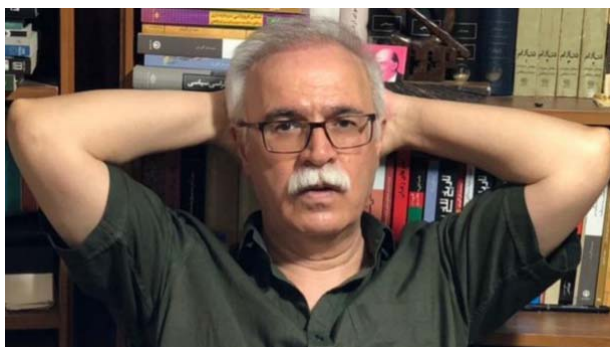
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد قراگوزلو

۱۸ جنوری ۲۰۲۵



داکتر محمد قراگوزلو

اسرار ادبار اقتدار بشار!

۵. سوریه در گرداب رقابت سیاسی و تروریسم!

درآمد. تخمین اشتباه ناتو در جهان چند قطبی!

در بخش های پیشین این سلسله مباحث به اجمال از اعتراف صریح مقام های عالی رتبه امریکائی در خصوص مشارکت مستقیم در ایجاد گروه های تروریستی – از جمله داعش- سخن گفتیم و دلیل دخالت نظامی دولت های یورو-آتلانتیک در سوریه و دامن زدن به جنگ داخلی تا سقوط دولت اسد را ناشی از اهمیت تلفیقی و ترکیبی ژئوپولیتیسیم و انرژی دانستیم. مدارک و مستندات ضمیمه این واقعیت – که فقط بخش کوچکی از آنها در نوشته های من آمده – به قدری قوی و غیر قابل انکار است که بسادگی روی زوایای تاریک و پنهان جنگ داخلی سوریه نور آگاهی می افکند و هدف و منافع ناتو از تلاش برای سقوط اسد را بروشنی نشان می دهد. اشتباه بزرگ ناتو در جنگ داخلی سوریه به طور مشخص از پیروزی برق آسای آنان در عراق و لیبیا ناشی می شد. در اواخر دهه نخست از هزاره سوم و ۳۰ سال پس از فروپاشی دیوار و مهملات "پایان تاریخ" و پیروزی "لیبرال دموکراسی" ناتو و به ویژه هیأت حاکمه ایالات متحد هنوز در دوران ریگان و کلینتن و بوش اول سیر و سیاحت می کردند. دامن زدن به جنگ های وحشتناک بالکان و سپس بمباران صربستان و اعتماد به نفس ناشی از شخم زدن افغانستان و عراق و لیبیا و اعدام وحشیانه صدام حسین و قصابی معمر قذافی دولت اوباما را به این جمع بندی رسانده بود که در بدترین شرایط هم اوضاع سیاسی منطقه در واکنش به یورش ارتش ناتو بدتر از دوران بوش دوم نخواهد بود. آنان گمان می زدند که درست مانند لیبیا می توانند با تسلیح اوباش تروریست در بن غازی شهر درعا را از طریق اردن به مکانی مناسب برای تجهیز تروریست ها تبدیل کنند و دو سه ماهه دولت اسد را از کار بپندازند و بینگو.

اما داستان فقط بر سر این نبود که سوریه با لیبیا تفاوت داشت و منافع ستراتیژیک روسیه و ایران و حتا عراق اجازه این تطاول را به ارتش ناتو و تروریست هایش نمی داد. علاوه بر این ها و به جز ضعف اقتصادی و افول هژمونی امریکا در منطقه خاورمیانه واقعیت این بود که دوران خوش جهان تک قطبی با عروج اقتصادی چین و هند و اقتدار بلامنازع نظامی روسیه به پایان رسیده بود. کودتای ۲۰۱۴ میدان اوکراین و کمک مستقیم امریکا به کسب قدرت نئوفاشیست ها امریکا را در خوابی عمیق فرو برده بود. از نظر بارک اوباما و مشاوران امنیتی اش "روسیه فقط یک پمپ بنزین بزرگ بود" با "یک مشت رهبر دهاتی!" غفلت - و به نظر من اشتباه عمیق و ستراتیژیک روسیه در ماجرای کودتای اوکراین - و مداخلات چین در قبال دخالت های گستاخانه امریکا در تایوان و استان سین کیانگ و حضور در هند رهبران امریکا را به چنان ورطه ای از محاسبات غلط ستراتیژیک انداخته بود که فکر می کردند با گسیل یک عده تروریست حرفه ئی می توانند بساط دولت سوریه را هم به سرعت جمع کنند و... و بله تمام! ارزیابی از سقوط یکی دو ماهه دولت سوریه - که ترکیه و اردن و عربستان و قطر و امارات و اسرائیل نیز به توهم آن دامن می زدند- کم و بیش ۱۳ سال طول کشید و مدنیت یک سرزمین تاریخی را از بیخ و بن ویران کرد. اکنون که بشار رفته و جولانی آمده است "از شب هنوز مانده" شش دانگی! همان طور که زایمان حامد کرزی و اشرف غنی در افغانستان به سقط جنین انجامید و طالبان را مجدداً از غارها بیرون کشید؛ همان طور که عراق پساصدام هرگز به روی پاشنه مطلوب ناتو نچرخید؛ همان طور که لیبیای پساقذافی به پر و پای غرب و ترکیه پیچید؛ همان طور که یمن عبدالله منصور با انفجار حوثی ها در دستان ائتلاف عربستان ترکید... سوریه نیز از این قواعد خارج نبود و نیست. جایگزینی یک تروریست حرفه ئی به جای دولت استبدادی سرمایه داری بشار اسد پیروزی نیست. ورود در سیاهچالی تو در تو و ناشناخته است که هر آئینه ممکن است بازیگران آن را به ورطه ای تاریک فروکشد. برای غرب البته که عروج جریان ارتجاعی مجاهدین ربانی - مسعود و سپس طالبان به جای دکتر نجیب یک پیروزی بزرگ علیه اتحاد جماهیر شوروی بود، کمالین که تثبیت دولت ایاد علاوی در عراق می توانست منافع امریکا را حفظ کند اما قرار نیست سیر وقایع آینده سوریه روی نقشه ای که در کنفرانس آستانه - از سوی روسیه و ترکیه و جمهوری اسلامی ایران- ترسیم شده است پیش برود.

تنگناهای پیچیده سیاسی!

با تغییر لحن مقامات ایرانی نسبت به تروریست ها و به رسمیت شناختن تلویحی آنان تحت عنوان "معارضان" - معارضانی که با "نصیحت" لاریجانی و عراقچی، اسد باید با آنان وارد تعامل می شد- زمین سخت واقعیت تغییر نخواهد کرد. برای باخت روسیه در قمار خطرناک سوریه کمی باید صبر کرد اما نباید اندک تردیدی به خود راه داد که فعلاً و تا اطلاع ثانوی جمهوری اسلامی بازنده بازی ناشیانه ای است که در جلسه آستانه وارد آن شده است. اعتراف محمدرضا غلامرضا (معاون سابق سپاه قدس) مبنی بر این که:

« ترک ها و بعضی کشورهای عربی ما را فریب دادند، این ها دو ماه قبل تضمین داده بودند که هیچ اتفاقی در سوریه نمی افتد^۱. »

چیزی از این باخت سنگین و خسارات ناشی از آن نخواهد کاست! "فریب" و "تضمین" در سیاست جز خودفریبی معنای دیگری ندارد. دنیای سیاست شرکت بیمه نیست که به کسی تضمین خسارت بدهد. به ویژه زمانی که "ضامن" اردوغان است! توجیه شکست البته به این آسانی ها هم نیست. دولت سوریه (حافظ اسد) از ابتدای جنگ ایران و عراق کنار جمهوری اسلامی ایستاده بود. بشار ادامه دهنده راه پدر بود. در جریان جنگ داخلی سوریه دولت جمهوری

اسلامی نه به خاطر قد بلند و گل روی اسد و نه برای تلافی "لطف" اسد پدر در ماجرای خصومت با صدام حسین، بلکه برای حفظ دالان ارتباط با لبنان و حزب الله با تمام قدرت در سوریه حضور داشت. نام این حضور را گذاشته بودند "دفاع از حرم". نکته پیدا است که جنگ داخلی سوریه پیش و بیش از آن که ماهیت مذهبی و نزاع میان شیعه و سنی باشد و پیروزی سنی ها به بهای تخریب اماکن مقدس شیعیان تمام شود جنگی مطلقاً سیاسی با هدف کسب هژمونی قدرت های منطقه نی بود. این نکته بعد از به قدرت رسیدن تحریر الشام و حفاظت از اماکن مذهبی شیعیان به اثبات رسید.

دست کم برای یک دهه سپاه قدس با تمام جنرال های ارشد خود روی زمین و تحت حمایت جنگنده های روسیه علیه همین "معارضان" امروز و تروریست های دیروز می جنگیدند. به این موضوع در مطالب احتمالی آینده بازخواهم گشت. فقط خواستم بگویم چگونه می شود که فرماندهان و مشاوران و مستشاران یک نیروی عظیم نظامی و امنیتی مانند سپاه قدس با آنهمه تجربه حضور در سوریه و عراق و سایر کشورها به همین راحتی "فریب" می خورند و با طناب اردوغان و "بعضی از دولت های عربی" به چاه می روند؟ در واقع معنای سرراست "فریب خوردیم" چیزی جز "نتوانستیم" یا "نخواستیم" و در برآوردی خوشبینانه "اشتباه کردیم" نیست. تروریست های تحریر الشام مستقر در ادلب حداقل از ۸ ماه پیش مشغول تدارک حمله به حما و حمص و البته تسخیر حلب بودند. در همین راستا آنان از نظر لجستیکی در آرایش کاملاً جنگی و متفاوت با گذشته موضع گرفته بودند. اضافه شدن تانک ها و زره پوش ها و پهپادها و نیروهای تازه نفس در ادلب نمی توانست از نظر دولت های روسیه و ایران دور بماند. علاوه بر اینها به گفته مقام های روسی آنان در واپسین ساعات سقوط دولت اسد بیش از ۴ هزار نفر از نیروهای پیاده نظام سپاه پاسداران را از خطوط مقدم خارج کرده و به ایران رسانده اند. سؤال ساده این است که واکنش این نیروها در مقابل یورش جنگجویان جهادی تحریر الشام از ۲۸ نومبر تا ۸ دسمبر چه بوده است؟ آیا آنان نیز مانند ارتش سوریه از مقامات بالاتر دستور انفعال و تسلیم گرفته بود؟ به هر حال آنچه برای نویسنده و همفکرانش اهمیت دارد منافع مردم کارگر و زحمتکش سوریه است و کلک زدن و فریب خوردن دولت ها تا آنجا که به زیان اردوی کار تمام نشود برای ما علی السویه است. ادامه دهیم!

علاوه بر نکات پیش گفته باید به یک مسأله مهم سیاسی در تعلیل سقوط دولت اسد نیز اشاره کرد. بعد از فتح حلب/نومبر دسمبر ۲۰۱۶ - که لیندسی گراهام آن را "کابوس امریکا خواند" - و عقب نشینی تروریست ها به ادلب و استقرار کوردها در سه آستان و تثبیت نسبی دولت به طور مشخص اوضاع سوریه وارد دوران جدیدی شد. به یک اعتبار می توان این برهه را از سال ۲۰۱۶ دانست. از این مطلع به بعد است که مناسبات تعیین و تغییر قدرت و صف بندی های سیاسی از گروه های نیابتی به دخالت مستقیم دولت ها و لابی های پیدا و پنهان عوض می شود. من در بخش های بعدی خواهم کوشید به این روابط پیچیده در ماجرای تبیین سقوط دولت اسد بپردازم اما فی الحال بر این لبه نازک خم می شوم که در جریان رقابت های منطقه ئی و جهانی قدرت های بزرگ و کوچک در سوریه به طور مشخص ما با سه صف بندی واضح مواجه بودیم:

۱. جناح ترکیه و قطر بر محور حمایت از گروه های اخوانی از جمله همین تحریر الشام که نوع تعدیل شده اش در آینده مشابه دولت اردوغان و حماس خالد مشعل خواهد بود.

۲. صف مصر و امارات که به طور مشخص مخالف عروج اخوانی ها بودند. کودتای سیسی علیه دولت محمد مرسی و اختلاف شدید وی با اردوغان ناشی از همین مواضع ضد اخوانی جنرال های حاکم بر مصر است. امارات به عنوان حامی مالی این خط عمل کرده است. همین جا اضافه کنم که در تاریخ ۳۰ مهر-میزان- سال جاری یعنی ۴۸ روز قبل

از سقوط دولت سوریه (۸ دسامبر ۱۸ آذر) محمد بن زائد آل نهیان (رئیس امارات) به مسکو رفت و با استقبال بسیار گرم پوتین مواجه شد. در این دیدار رئیس جمهور روسیه "روابط با امارات را مشارکت ستراتیژیک خواند." پیامدهای این "مأموریت غیرممکن" به سرعت معلوم و ممکن شد.

۳. نکته "ساده" ی بند ۲ فراموش تان نشود تا بگویم که ضلع سوم جنگ داخلی سوریه را ایران و حزب الله در کنار روسیه تشکیل می دادند.

البته آمریکا و اروپا و از همه مهم تر رژیم صهیونیستی نیز در لا به لای این سه ائتلاف نقشی بسیار حیاتی ایفا می کردند. در این میان هر کدام از این جبهه ها برای دفاع از سقوط یا ابقای دولت سوریه، فشار را به این سو و آن سو می کشیدند. نوسان اسد میان این قطب های درگیر و رقیب چنان سرعت گرفته بود که از یک سو مایل بود به کمک و عده های امارات موقعیت مرده خود را در جمع دولت های عربی حاشیه خلیج احیاء کند و از سوی دیگر جمهوری اسلامی و روسیه را نیز داشته باشد. همچنین با دلبری از تمیم بن حمد (امیر قطر) دست اردوغان را نقش زد و در همان حال اخوانی ها را چنان روی نیمکت ذخیره ها بنشانده که هرگز نوبت بازی نداشته باشند. آنهم در شرایطی که اماراتی ها و مصری ها شرط کمک به ابقای دولت او را دوری از "محور مقاومت" جمهوری اسلامی دانسته بودند. توجه کنید جمهوری اسلامی و نه روسیه. علاوه بر ملزومات تقویت جبهه نبرد علیه اوکراین، رابطه عالی روسیه با مصر و امارات از یک سو و ارتباط دو فاکتو با اسرائیل از سوی دیگر به گنجی اسد در تکیه زدن به یکی از این سه قطب قدرت می افزود. فروپاشی محور مقاومت جمهوری اسلامی از حمله اسرائیل به کنسولگری تهران در دمشق شروع شد. تضعیف شدید حزب الله به ویژه بعد از انفجار پیجرها و متعاقباً کشته شدن رهبران اصلی سیاسی و نظامی – به ویژه حسن نصرالله و فواد شکر- و قبول عقب نشینی به آن سوی رودخانه لیتانی و تمکین به پیشنهاد آتش بس با اسرائیل از هر منظر بر نوسان اسد می افزود. به ویژه آن که علی لاریجانی و متعاقباً عباس عراقچی حامل پیام هائی از تهران بودند که "تصعید در جنگ با اسرائیل" را به مصلحت محور مقاومت شان نمی دانست. پیامی که ظاهراً تهران را در کنار "هر تصمیمی قرار می داد که اسد و میقاتی و حزب الله" اتخاذ می کردند. این نکته را هم فراموش نکنید که قرار بود در تاریخ ۲۰ دسامبر (۱۲ روز پس از آن که اسد سقوط کرد) تحریم های گشوده "سزار" به پایان رسد. عروج دولت ترمپ به عنوان مبتکر و تصویب کننده این تحریم بر پیچیدگی "تصمیم اسد" و سر در گمی او افزوده بود. سیاستمدار متوسط و خسته و کلافه ای چون اسد مرد مدیریت این میدان مین گذاری شده نبود.

کلاف سر در گم داستان – به روایت رویترز در تاریخ دوم دسامبر یعنی ۶ روز پیش از سقوط اسد – ناشی از مذاکرات طرف اماراتی با اعضای دولت آتی آمریکا به منظور تعیین تکلیف نهائی تحریم های سزار بود. رویترز در این گزارش ویژه اضافه کرده بود که اماراتی ها به نقل از ساکنان جدید کاخ سفید تحقق برنامه لغو تحریم آمریکا را موکول به فاصله گیری اسد از تهران کرده بودند. گفته شده که فشار در مذاکره محرمانه با امیر امارات جمع بندی نهائی در این مورد را به آینده نزدیک حواله کرده بود! از سوی دیگر بنا به همین گزارش اسرائیلی ها نیز از طریق طرف اماراتی به اسد پیام مهمی داده بودند. پیامی که پذیرش آن ابقای او در قدرت را از سوی طرف اسرائیلی- غربی تضمین می کرد و رد آن به تشدید بمباران شهرها و سقوط دولت سوریه می انجامید. پیامی به این مضمون که با توجه به زوال حماس و افول حزب الله چنانچه دمشق مانع حضور تهران در دالان های قنطره و قشب و قصیر و المصنع و قلمون و جرود فلیطه (مناطق مرزی سوریه و لبنان) شود و در مقابل تجهیز و بازسازی حزب الله بایستد آنان به ابقای اسد کمک خواهند کرد. اسرائیل همچنین تمایل داشت ضمن هماهنگی با ترکیه و آمریکا برای سه استان تحت سلطه کوردها شبه دولتی شبیه اقلیم کردستان عراق ساخته شود. مضاف به این که بی پاسخ ماندن دعوت اردوغان از سوی اسد – که قرار

بود روی مرکزیت اقتصادی شهر حلب توافقاتی صورت گیرد – به عمق پیچیدگی داستان سوریه و گیج سری آقای رئیس جمهور افزوده بود!

خاستگاه گسیل تروریست ها به سوریه!

در مباحث پیشین از سخنان جو بایدن در دانشگاه هاروارد رونمایی کردم و ضمن نقل پاره ای از آن افاضات به علاقه پرزیدنت یونایتد استیت برای تسخیر سوریه از طریق جنگ پرداختم. همچنین به مواضع شفاف و "توصیه های داهیانه" بایدن به اردوغان به منظور حمایت از جبهة النصرة و ارتش آزاد به جای داعش خم شدم. کمتر کسی است که اعتراف "فرست لیدی" اسبق هیلری کلینتن را در مورد نقش امریکا در ساخت و ساز داعش شنیده باشد. در بخش دوم این گفتارها فلم اعتراف بانو هیلری – که بدون شکنجه گرفته شده است!!- ضمیمه شد. مضاف به این که کوس رسوائی پشتیبانی اردوغان و حزب حاکم AKP از داعش و جبهة النصرة و سایر تروریست ها بر سر کوی و برزن به صدا در آمده است! به دو نکته جالب اشاره می کنم تا بحث مان گرم شود.

الف. در تاریخ یکشنبه ۱۲ فیبروری سال ۲۰۱۲ و همزمان با شروع جنگ داخلی سوریه جناب جیک سالیوان (مشاور ثابت امنیت ملی کلینتن و بایدن) و مشاور ارشد دولت امریکا در مذاکرات هسته ئی با ایران ایمیلی برای کلینتن (وزیر وقت خارجه) می نویسد. موضوع ایمیل جالب است:

AQ is on our side in Syria

در این ایمیل – که ویکی لیکس آن را افشاء کرده – سالیوان به تشریح صف بندی های جنگ داخلی سوریه وارد شده و به دخالت القاعده نیز پرداخته است. سالیوان – چنان که در موضوع ایمیلش هم پیدا است – به وضوح کلینتن^۱ را متقاعد و مطلع کرده است که:

« در سوریه القاعده فعال بوده و با منافع امریکا همسو است.^۲ »

UNCLASSIFIED U.S. Department of State Case No. F-2014-20439 Doc No. C05789138 Date: 10/

RELEASE IN FULL

From: Sullivan, JacobJ <SullivanJJ@state.gov>

Sent: Sunday, February 12, 2012 4:01 PM

To:

Subject: Fw:SPOTREPORT02/12/11(SBU)

See last item - AQ is on our side in Syria.

Otherwise, things have basically turned out as expected.



از این که بگذریم دو روز قبل از سقوط دمشق (۶ دسمبر) یکی از فرماندهان ارتش آزاد سوریه – که خواست نامش فاش نشود- طی مصاحبه ای با روزنامه "تایمز اسرائیل" با صراحتی کم مانند به حمایت از رژیم صهیونیستی پرداخت. این مصاحبه ابتداء به نام جولانی منتشر شد و سر و صدای زیادی به پا کرد.



want foreign interference in our country.

We are open to friendship with everyone in the region – including Israel. We don't have enemies other than the Assad regime, Hezbollah and Iran. What Israel did against Hezbollah in Lebanon helped us a great deal. Now we are taking care of the rest.



Hayat Tahrir al-Sham (HTS) group's chief Abu Mohammed al-Julani checks the damage following an earthquake in the village of Besnaya in Syria's rebel-held northwestern Idlib province at the border with Turkey, on February 7, 2023.

(Omar HAJ KADOUR / AFP)

اما بزودی دانسته آمد که مصاحبه شونده جولانی نبوده است^۴. به هر حال در این مصاحبه فرد ناشناس – "معارض" – به تایمز اسرائیل می گوید:

«ما در مسیر صلح همه سویه با اسرائیل گام خواهیم برداشت. تنها هدف ما خلاص شدن از شر اسد و شبه نظامیان ایرانی است.... ما امیدواریم به کمک امریکا و اسرائیل منطقه را از موقعیت جنگی کنونی خارج سازیم و به آن رونق و شکوفائی دهیم./ پیشین»

در تاریخ ۴ مارچ ۲۰۱۴ یکی از مشاوران مطبوعاتی اسد در مصاحبه با شبکه المیادین مدعی شد که دولت اسرائیل جنگجویان جهادی را به سوریه می فرستد و از آنان پشتیبانی می کند. این مصاحبه در وبسایت " اخبار ملی اسرائیل" منتشر شده است^۵. در گزارش همین شبکه اسرائیلی به نقل از اسد گفته شده است:

«اسرائیل با مخالفان و شورشیان دولت سوریه همکاری می کند./ پیشین»

در انتهای این گزارش به نقل از شورشیان آمده است که دولت اسرائیل برای بقای بشار اسد با دولت ایران و حزب الله همدست است!

به هر حال الحاق بلندی های جولان به خاک رژیم اشغالگر و ساخت و ساز دهکده های زامبی نشین همیشه بخشی از اهداف شوم اسرائیلی ها بوده است که اینک با عروج تروریست ها به تحقق پیوسته.

علاوه بر این موارد بنا به گزارش مستندی که از صحبت های رولاند دumas (وزیر خارجه اسبق فرانسه) نقل شده دولت فحیمه بریتانیای کبیر دست در دستان امریکا و اسرائیل دو سال پیش از خیزش مردم درعا قصد داشته است زنگ سقوط دولت اسد را به صدا در آورد. دumas مدعی است که در همین راستا به او نیز پیشنهاد همکاری شده اما وی نپذیرفته است^۶.

واقعیت چیست؟

پیش از ورود به بحث چگونگی گسیل تروریست ها به سوریه و آشنائی با ماهیت قومی و "ملی" این جانپان حرفه ئی لازم می دانم توجه مخاطب عزیز را به مطالعه مقاله ضمیمه در لینک پی نوشت ها جلب کنم. مروری شتابزده به مقاله مبسوط "صف بندی های جنگ داخلی سوریه"^۷ نوشته برایان میشل جنکینز تمام حقیقت را با خواننده – حتا – شکاک در میان می نهد و پرده از نیروهای درگیر در این جنگ بر می دارد.

اینک خانم ها و آقایان! به ضیافت خونین "معارضان" و "دولت معتدل" جدید سوریه به رهبری هیأت تحریر الشام خوش آمدید. درست مانند جشنواره های ونیز و کن و برلین و گلدن گلوب و اسکار به دستور احمد الشرع پوشیدن کت و شلوار و استفاده از کراوات – پاپیون اجباری نیست- و ادوکولون "غیر فیک" الزامی است!

از ده ها گروه تروریستی ریز و درشت که در جنگ داخلی سوریه فعال بودند می گذریم و ضمن پردازش شتابزده منشأ و خاستگاه خیزش این اوباش – در ادامه – به تحلیل ماهیت گروه جبهة النصره وارد می شویم^۸. اگرچه طرح این مباحث ممکن است به اقتصاد کلام لطمه بزند اما به منظور احترام به خواننده مشتاق و پژوهشگر لازم می دانم کمی و فقط کمی عقب بنشینم و از تجربه و تحقیق خود در جنگ افغانستان استفاده کنم.

از ابتدای شکل بندی جنبش های موسوم به "بهار عربی" و سقوط دو دولت متحد امریکا یعنی تونس بن علی و مصر حسنی مبارک و اشنگن در صدد آن بود تا ضمن مهار این جنبش ها و تقابل با رشد سوسیالیست ها از درون خیزش های معطوف به "نان" زمینه های ساخت و ساز سازمان های جدید تروریستی اسلام سیاسی مساعد کند و در ضمن، عقب نشینی از افغانستان را نیز تدارک ببیند. مهم ترین نگرانی امریکا برخورد دوافکتوی پاکستان با دولت ناتو ساخته

افغانستان بود. نیرومندترین سازمان امنیتی جهان یعنی ISI در ارتش پاکستان اگرچه متحد ناتو به شمار می رفت اما عملاً شورشیان ضد دولت محبوب ناتو در افغانستان – حامد کرزی و بعد اشرف غنی – را تقویت و تجهیز می کرد. تمام رهبران شاخص طالبان و القاعده در شهرهای مختلف شمالی پاکستان از جمله کویت و پیشاور مستقر بودند. در شهر مانسره خانه های امن مناسبی برای تجمع رهبران گروه های تروریستی فراهم شده بود. دو پایگاه مهم نظامی متعلق به ارتش پاکستان در همین منطقه تروریست های القاعده و طالبان را تعلیم می دادند و روانه افغانستان و کشمیر می کردند. برای پاکستان خروج ارتش ناتو از افغانستان فرصت مناسبی ایجاد می کرد تا از طریق حمله نیابتی به پایه های پوسیده و فاسد دولت های امریکا ساخته سلطه خود را بر کابل تکمیل کند. با توجه به نارضایتی گسترده مردم افغانستان از کشت و کشتارهای ناتو – ۵۲ هزار کشته غیر نظامی بعد از ۱۱ سپتمبر که نگارنده در حال پیگیری حقوق آنان است- و فساد عجیب دولت حاکم، نیروهای تحت حمایت پاکستان براحتی می توانستند دولت همسایه شمالی را دراز کنند. چنان که دقیقاً و با کمی تأخیر چنین نیز شد. برای پاکستان و تشکیلات امنیتی اش افراد بومی طالبان خودی و گوش به فرمان بودند. مشکل پاکستان سرکشی آن دسته از جنگجویان جهادی بود که خارجی به شمار می رفتند و از تمام سرزمین های عربی (افغان العرب ها) و قفقاز و آسیای میانه و حتا میندانائو به منطقه آورده شده بودند و در شهرهای مرزی فعالیت می کردند. تشکیلات امنیتی پاکستان با این افراد ارتباط متناسب با اهداف خود نداشت. دولت پرویز مشرف به طور مکرر از سوی این گروه ها تهدید می شد. اوج درگیری پاکستان با جهادی های خارجی در بهار ۲۰۰۷ و در جریان جنگ حیرت انگیز "مسجد لعل" اتفاق افتاد. این جنگ فوق العاده عجیب که در قلب پاکستان (اسلام آباد) به وقوع پیوست نیروهای امنیتی را بیش از پیش به مهار و اخراج جهادی های خارجی متقاعد ساخت. ضربه شدید مسجد لعل پولیس سیاسی پاکستان را به این جمع بندی نهائی رساند که با تقویت جهادی های غیر افغان به پای خود شلیک کرده است.

دولت پاکستان که از کودتای ضیاءالحق تا کنون تحت تسلط مطلق ISI بوده است به دنبال راهی برای "خروج اضطراری" جهادی ها بود. راهی کم هزینه برای خود و پر هزینه برای دشمنان و رقیبان منطقه ئی. بهار عربی و فعالیت داعش در عراق و سوریه این فرصت را به دولت پاکستان داد که هماهنگ با رهبری طالبان، از شر جهادی های خارجی و القاعده و شاخ ها و شاخه هایش خلاص شود. از نظر جهادی ها "کافر در همه حال و هر لباسی کافر است و کشتن او جهاد فی سبیل الله است. حال چه دکتر نجیب چپ باشد چه رافضی و چه بشار اسد. فقط کافی است پول این جهاد به حساب رهبران و جنگجویان واریز شود. دالر یا پوند و لیر و یورو هم تفاوتی ندارد." زمانی عبدالله عزام – مقتدای اول جهادی ها – گفته بود "برای ما سرزمین افغانستان و جهاد علیه کمونیست ها و شوروی همانقدر مقدس است که عراق و سوریه و عربستان. جهاد در همه این سرزمین ها امری واجب است."^۹

بی تردید همه جهادی هایی که برای جنگ علیه دولت های عراق و سوریه راهی این دو سرزمین می شدند با آموزه های عبدالله عزام آشنا نبودند اما عبارت پیش گفته را بارها از رهبران خود شنیده بودند.....

باری سخن دراز شد/ وین زخم دردناک را خونابه باز شد.

به ادامه این مباحث در فصل های بعدی خواهیم پرداخت.

جمعه ۲۸ دی- جدی- ۱۴۰۳/ ۱۷ جنوری

۱. <https://www.aparat.com/v/shjerm3>

۲. پس از قتل معمر قذافی به دست تروریست های القاعده هیلری کلینتن که از کشته شدن سفیرشان در لیبیا خشمگین بود در لباس خونین جولیوس سزار به لیبیا رفت و در مورد قتل جنایتکارانه قذافی گفت: آمدیم. دیدیم. او مرده!

۳. اکانت ایمیل جیک سالیوان چنین است: SullivanJJ@state.gov

۴. <https://www.misbar.com/en/editorial/2024/12/09/did-the-times-of-israel-interview-al-jolani-about-syrias-developments>

۵. <http://www.israelnationalnews.com/news/178084#.U-5YJvldWPs>

۶. مصاحبه رولاند دumas تحت عنوان " دولت انگلستان دو سال پیش از اعتراضات ۲۰۲۱ خود را برای جنگ در سوریه مجهز کرد." در این وبسایت درج شده:

<http://www.informationclearinghouse.info/article43662.htm>

۷. عنوان مقاله این است : The Dynamics of Syria's Civil War

https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE100/PE115/RAND_PE115.pdf

۸. خبرگزاری رویترز طی گزارشی تحلیلی در تاریخ ۹ جنوری ۲۰۱۴ یک جمع بندی ساده و کلی از شورشیان سوری تحت عنوان:

Factbox: Syria's rebel groups

ارائه داده است که مرور آن را برای خواننده علاقه مند مفید می دانم:

<https://www.reuters.com/article/2014/01/09/us-syria-crisis-rebels-factbox-idUSBREA080SW20140109/#5bzfPXPQF0jBcfJ3.97>

۹. ن. ک به : کتاب "پیوستن به کاروان" نوشته عبدالله عزام. این کتاب در واقع مانیفست جنگ جهادی ها است.